

تحلیل سیاسی هفته (۳۱) واکاوی تهدیدات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۱۵۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴

اخيراً فضای بین‌المللی شاهد تهدیدهای مختلف از سوی اسرائیلی‌ها، آمریکایی‌ها و برخی از کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی ایران است. هرچند این تهدیدها خصوصاً از جانب اسرائیلی‌ها قبل از انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای درباره پرونده هسته‌ای ایران شروع شده بود، اما بعد از انتشار گزارش آمانو مبنی بر وجود ابهامات اساسی در صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران که بیشتر کارشناسان این گزارش را کاملاً سیاسی ارزیابی کردند، شدت تهدیدهای اقتصادی - نظامی غرب علیه ایران افزایش چشمگیری یافت. طبق این گزارش، آژانس مدعی است به اطلاعاتی دست یافته است که ماهیت نظامی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را ثابت می‌کند.

در همین حال تحولات و رویدادهایی در خاورمیانه به خصوص در سوریه، بحرین و نیز تنش‌های اخیر در روابط ایران و انگلیس رخ داده است که به مثابه نمادهایی از استراتژی جدید آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این استراتژی، برخلاف استراتژی قبلی که دولت اوباما تأکید فراوانی بر دیپلماسی و حل مسئله هسته‌ای ایران از طریق مذاکره و مصالحه داشت، تأکید بر افزایش تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. به تعبیری دیگر، دولت اوباما در حال گذار از استراتژی ابتدایی خود و بازگشت به استراتژی فشار و تهدید نظامی است که در دوران بوش در اولویت آمریکا قرار داشت.

نشانگان این استراتژی را می‌توان در سیاست‌ها و اقدامات یک سال گذشته دولت اوباما به خوبی مشاهده کرد. از جمله می‌توان به تلاش‌های آرام دولت اوباما در ورود کشتی‌های پیشرفته دارای توان مقابله با موشک‌های بالستیک به خلیج فارس، تقویت سامانه‌های دفاع هوایی کشورهای عربی، تلاش برای تحقق طرح سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه و تحولات ماه‌های گذشته از جمله اعلام خبر خروج آمریکا از عراق، مانورهای مشترک آمریکا و اسرائیل، طرح اتهام واهی از سوی آمریکا مبنی بر ترور سفیر عربستان و در نهایت گزارش کاملاً منفی دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد.

تأکیدهای رسانه‌ای بر مانورهای نظامی اسرائیل که در ماه‌های اخیر صورت گرفته که در آن نیروهای نظامی اسرائیل توانسته موشک شبهه‌سازی شده شهاب ۳ را ردیابی و در نهایت منهدم کند. ارائه اخباری مبنی بر اینکه در سال ۲۰۱۲ نیز دولت اسرائیل قصد دارد به کمک آمریکا مانوری مشترک را برگزار کند، در این مانور قرار است تمامی سامانه‌های دفاع هوایی شامل «نیزه ۲» (Arrow 2) و «گنبد آهنین» (Iron Dome) اسرائیل، سامانه «تاد» (America's Terminal High Altitude Area Defense) آمریکا و «سامانه ضد موشک‌های بالستیک موسوم به ایجیس» (Aegis Ballistic Missile Defense System) مورد آزمایش قرار گیرند.

دولت آمریکا قصد دارد با طرح اتهام تروریسم هسته‌ای و نیز دخالت در مسائل منطقه‌ای توسط ایران این نکته را منتقل کند که دیگر زمانی برای دیپلماسی باقی نمانده و دولت اسرائیل نیز برای تکمیل این سیاست آمریکا، برگزاری مانورهای نظامی و ارباب و تهدید را در اولویت قرار داده است تا آمادگی خود برای حمله نظامی را نشان دهد.

در اینجا دو سؤال قابل طرح است، نخست آیا حمله نظامی به ایران امکانپذیر است؟ دوم، اینکه هدف از این عملیات روانی جدید چیست؟

دلایل متعددی هست که نشان می‌دهد حمله نظامی علیه ایران چه به صورت محدود و چه به صورت گسترده، علیه برنامه هسته‌ای ایران یا هر هدف دیگر، اکنون در دستور کار هیچ دولتی از جمله اسرائیلی‌ها قرار ندارد و طرح این موضوع صرفاً جنگ روانی و ابزاری جهت انزوای سیاسی و اقتصادی و نیز اغتشاش داخلی در ایران است.

۱. اگر هدف حمله نظامی ایران توقف برنامه هسته‌ای باشد، حمله نه فقط منجر به توقف برنامه هسته‌ای ایران نخواهد شد، بلکه توجیه لازم برای حرکت به سمت تسریع در این برنامه را کاملاً فراهم خواهد کرد.

۲. حمله نظامی قادر به متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران یا حتی به تأخیر انداختن آن تا زمانی طولانی نخواهد بود. مجموعه گزاره‌ها حاوی این پیام راهبردی است که برنامه ایران به درجه‌ای از پیشرفت و خودکفایی فنی رسیده که حتی با حمله نظامی هم موفقیت آن تغییری نخواهد کرد. همین‌طور اینکه غربی‌ها نمی‌توانند به لحاظ اطلاعاتی مطمئن باشند تأسیسات هسته‌ای ایران در چه مناطقی واقع شده است.

۳. هرگونه حمله نظامی به ایران یک اجماع ملی بسیار جدی علیه اسرائیل به وجود خواهد آورد و مطالبه پاسخ به اسرائیل و متحدانش تبدیل به یک مطالبه مردمی خواهد شد.

۴. آمریکا و اسرائیل به‌ویژه اکنون که روی نیروی قدس تمرکز کرده‌اند به‌خوبی می‌دانند که توان عملیات برون‌مرزی ایران و متحدانش چه اندازه است؛ اما مهم‌تر از این آن است که بیداری اسلامی و جنبش‌های ضداسرائیلی و ضدآمریکایی ناشی از آن، توان پاسخ‌دهی ایران به هرگونه تهدید را صدچندان کرده است.

در پاسخ به سؤال دوم، به نظر می‌رسد در دقیق‌ترین تحلیل ممکن هدف اسرائیلی‌ها این است که غرب را وادار به اعمال تحریم‌هایی سنگین‌تر از قطعنامه‌های اخیر علیه ایران بکنند اما معضل بزرگ آنها این است که روسیه، چین و برخی کشورهای اروپایی حاضر به موافقت با افزایش تحریم‌ها نیستند. هدف از تمامی جنجال‌های اخیر درباره احتمال حمله نظامی اسرائیل به ایران این است که روسیه، چین و اروپا دست از مخالفت با تحریم بردارند و از بیم مواجه شدن با گزینه بسیار خطرناک درگیری با ایران، تصویب تحریم‌های سنگین‌تر در شورای امنیت علیه ایران را بپذیرند. دقیقاً به همین دلیل است که او‌با‌ما اعلام کرده پس از انتشار گزارش آمانو با روسیه و چین درباره ایران رایزنی خواهد کرد.

درواقع می‌توان گفت اسرائیل قصد دارد با ایجاد رعب و وحشت در میان افکار عمومی ایران ضعف نظامی و سیاسی خود را پنهان کنند چراکه از توان لازم برای حمله به ایران برخوردار نبوده و می‌دانند که در صورت بروز هرگونه حرکت نسنجیده‌ای در پیشدستی برای حمله نظامی به ایران خود بازنده جنگ با ایران می‌شوند.

دلایلی که موجب بازدارندگی اسرائیل نسبت به حمله نظامی به ایران می‌شود عبارتند از:

۱. **عدم توانایی در استفاده از بمب اتمی:** هر چند که اسرائیل از کلاهک اتمی برخوردار است و تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای را از سوی آمریکا و سایر کشورهای غربی دریافت نموده، ولی داشتن بمب اتم به تنهایی نمی‌تواند باعث پیروزی اسرائیل در جنگ احتمالی با ایران شود و پاسخ ایران می‌تواند هزینه بیشتری بر اسرائیل تحمیل کند.

۲. **آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک اسرائیل در مقابل تهدید:** ناتوانی اسرائیل در حمله به ایران به این علت است که این کشور بسیار کوچک بوده و بخش عظیمی از جمعیت آن در محدوده کوچکی در اطراف تل‌آویو متمرکز شده است، به همین علت این منطقه بسیار آسیب‌پذیر شده چراکه بیش از هفتاد درصد از کل جمعیت اسرائیل و هشتاد درصد از ساختار زیربنایی اسرائیل در این منطقه متمرکز شده است. کوچک‌ترین تهدیدی از ناحیه ایران و یا متحدان می‌تواند زمینه تهدید در هارتلند اسرائیل را به وجود آورد.

۳. **غیرممکن بودن حمله به ایران:** نیروی هوایی اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق (اسیراک) از ۱۶ جت که ترکیبی از بمب‌افکن‌های اف ۱۵ و جنگنده‌های اف ۱۶ بود استفاده کرد. یکی از علل موفقیت نیروی هوایی اسرائیل در آن عملیات فاصله پروازی مناسب میان اسرائیل و عراق بود که به جنگنده‌های اسرائیلی این امکان را می‌داد که بدون نیاز به سوختگیری هوایی بتوانند در زیر

خط رادار پرواز کرده و خود را به اهداف مورد نظر برسانند ولی فاصله پروازی طولانی میان تهران و تل‌آویو مشکلات فنی بسیاری را بر سر حمله هوایی به ایران به وجود آورده و در هر حال خطرات زیادی را برای هواپیماهای اسرائیلی به وجود می‌آورد.

۴. **بالتر بودن توان موشکی ایران نسبت به اسرائیل:** ایران در سال‌های اخیر موفق به طراحی و تولید نسل جدیدی از موشک‌های بالستیک شده و در زمینه طراحی و ساخت موشک از اسرائیل سبقت گرفته است. در حال حاضر موشک‌های شهاب -۳ ایران می‌توانند اهداف دوردستی در خاک اسرائیل را مورد حملات دقیق قرار دهند. موشک‌های شهاب -۳ ایران با موفقیت آزمایش شده و کاملاً قابل اطمینان هستند. از سوی دیگر ایران انواع گوناگونی از موشک‌های پیشرفته و بلندبرد دیگری مثل موشک‌های کروز را نیز در اختیار دارد که ایران را در برتری موشکی منحصر به فردی نسبت به اسرائیل قرار داده است. این موشک‌ها هرچند از موشک‌های شهاب کندتر هستند اما مسیر پرواز آنها قابل پیش‌بینی نیست.

۵. **عدم امکان غافلگیری ایران:** یکی از دلایل موفقیت‌آمیز بودن حمله اسیراک مخفیانه بودن آن بود. وزارت دفاع اسرائیل خبر برنامه‌ریزی چنین حمله‌ای را حتی از سران کاخ سفید پنهان نگه داشته بودند و بدون اینکه از آنها اجازه بگیرند تصمیم به حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق گرفتند. اما مشکل فعلی اسرائیل این است که آنها دیگر نمی‌توانند یک حمله غافلگیرانه نظیر آنچه در اسیراک انجام دادند را در ایران عملی کنند زیرا توانایی نیروهای نظامی ایران در جنگ و پدافند الکترونیک در نمونه اخیر کنترل و هدایت هواپیمای فوق پیشرفته و رادارگریز آمریکا نشان از فراست و توانمندی دفاعی اثربخش جمهوری اسلامی ایران دارد.

۶. **عدم توانایی مالی اسرائیل:** با توجه به بحران مالی جهانی و افزایش مشکلات داخلی در آمریکا که بزرگ‌ترین حامی سیاست‌های جنگ‌طلبانه اسرائیل به‌شمار می‌رود و نیز هزینه ۱۰۰۰ میلیارد دلاری در جنگ عراق و خروج نظامیان آمریکا از عراق، بزرگ‌ترین شبهه را در تأمین مالی طراحی حمله نظامی به ایران به وجود می‌آورد.

هنگامی که دلایل فوق را در کنار همدیگر قرار می‌دهیم می‌توان نتیجه گرفت که احتمال حمله نظامی از سوی اسرائیل و آمریکا به مراکز هسته‌ای ایران روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود چراکه اسرائیل می‌داند فناوری‌های دفاعی ایران در حال گسترش است و موشک‌های شهاب ۳ و ۴ از توانمندی‌های بالایی برخوردارند و حتی می‌توانند پایتخت‌های اروپایی را هم هدف قرار دهند. پیچیدگی تاکتیکی و نظامی ارتش و سپاه ایران و حمایت گسترده مردمی در هنگام بروز تهدیدات خارجی سبب شده که ایران از قابلیت دفاع ملی گسترده‌ای برخوردار باشد و عملاً به یکی از ارتش‌های قدرتمند منطقه خاورمیانه و جهان تبدیل گردد.

در حال حاضر بزرگ‌ترین نگرانی اسرائیل از آن است که اگر ایران همچنان به توسعه و پیشرفت در عرصه‌های اقتصادی، علمی و نظامی ادامه بدهد در آینده‌ای نه‌چندان دور به قدرتمندترین کشور خاورمیانه تبدیل شده و موجودیت اسرائیل و منافع غرب در این منطقه حساس و نفت‌خیز جهان را با خطر مواجه سازد.

در شرایط کنونی به دلایل مختلف فوق‌الذکر حمله به ایران برای آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها توجیه استراتژیک ندارد. چون هرگونه حمله احتمالی به ایران یا تأسیسات هسته‌ای ایران نه تنها فعالیت‌های هسته‌ای ایران را متوقف نخواهد کرد، حتی به‌لحاظ اهمیت سیاسی، همین تجاوزطلبی به خاک ایران به نوعی می‌تواند نقطه چرخش و انحراف در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد.

همچنین، در حال حاضر به دلیل شرایط کاملاً بحرانی اقتصاد آمریکا و اروپا، بعید به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها بعد از اینکه اخیراً دو جنگ پرهزینه را در منطقه خاورمیانه پشت سر گذاشته‌اند، خود را درگیر جنگی دیگر با ماهیت کاملاً متفاوت نمایند. مسلماً این اقدام برای آنها هزینه‌های سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت. بسیاری از کارشناسان معتقدند این جنگ روانی به‌خاطر آن است که آمریکایی‌ها می‌خواهند با ترغیب و همراه‌سازی کامل جامعه جهانی تحریم‌های جدی‌تر و گسترده‌ای علیه ایران به‌کار گیرند تا ایران را به‌لحاظ سیاسی - اقتصادی کاملاً منزوی نموده و بحران‌های داخلی جدیدی برای ایران ایجاد نمایند.